

کارکرد قصص قرآنی در تحلیل آینده‌نگاری راهبردی (نمونه) داستان بنی اسرائیل)

رضوانه دستجانی فراهانی*

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

احمد آکوچکیان

هیئت علمی مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)، قم، ایران

عباس اشرفی

دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹)

چکیده

مقوله پیشرفت با نظر به عنایت آن در موقعیت‌های زمانی و مکانی، نیازمند الگوی معین با رویکرد آینده‌نگری و آینده‌نگاری است. نقش آموزه‌های دین در آینده‌نگاری تمدنی، یک مسأله محوری و راهبردی در دوره معاصر است. برجسته‌ترین فصل آموزگاری آینده‌نگاری دینی، رخدادهای تاریخ تمدنی و به طور خاص، قصص هستند. رویکرد آینده‌نگاری به مدد قصص، اصلی بنیادین در مبانی فلسفه دین (نظام انتظار از دین و نیاز به دین) است. قصه قرآنی یک منظومه گفتمانی است که رویدادهای مؤثر در تحول فرد، جامعه و تمدن را پیش رو می‌گذارد و هدف آن قرار دادن مخاطب در موقعیتی است که با انتخاب و اختیار خود در مسیر رشد قرار گیرد تا آینده خود، جامعه و تمدن را در سمت و سوی آرمان الهی رقم زند. این مقاله با پرسش اصلی «چستی آینده‌نگار قصص قرآنی»، با روش تحلیل محتوا به نظریه آینده‌نگاری برآمده از قصص قرآنی می‌پردازد و بر آن است که پژوهش کارکرد آینده‌نگار از قصص تمدنی، یک ساحت راهبردی نه فقط در حوزه پژوهش الگوی مطلوب، بلکه در حوزه تحقیق و توسعه آینده‌نگار نیز هست. در این حوزه، در نگاشت گزاره‌ای رویکرد آینده‌نگار، منظومه گزاره‌ها و مفاهیم تصدیقی که دارای وجوه فاعلی، فعلی، مفعولی و قیدی هستند، رقم می‌خورد. از مجرای این گزاره‌ها می‌توان به دانش تدبیر آینده‌نگار دست یافت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که آینده‌نگری تا آینده‌نگاری، از خلال این وجوه چهارگانه فصل راهبردی فلسفه قصه قرآنی است و قصه قرآنی ظرفیتی معرفت‌شناخت و روش‌شناخت در پیشنهاد رویکرد آینده‌نگار راهبردی دارد.

واژگان کلیدی: قصص قرآنی، هنر، آینده‌نگاری، پیشرفت، تحول.

* Email: adastjani31@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

قرآن کتاب هدایت به رشد و راهبری فرآیند تغییر است (ر.ک؛ صدر، ۱۳۹۵: ۵۹). اعتقاد به ترقی به این معناست که اوضاع در آینده، بهتر از این خواهد شد و می‌تواند در چارچوب حرکتی آگاهانه و هدفدار و برنامه‌ریزی شده راهبری شود (ر.ک؛ پولارد، ۱۳۵۴: ۹). بر همین اساس، مقوله پیشرفت نیازمند الگوی معین با رویکرد آینده‌نگاری است.

هر مکتب مدعی رشد باید مدیریت زمان و برنامه‌ریزی تغییر مطلوب را پیش روی مخاطب قرار دهد تا او بتواند در راستای الگوی برگزیده، شالوده زندگی خود را پایه‌گذاری کند. حال، نوعی فردای دیروز است و فردا، ریشه انسان در گذشته که میوه آن در آینده است. انسان موجودی آینده‌نگر است (ر.ک؛ نصر، ۱۳۸۶: مقدمه).

صاحب‌نظران معتقدند در حوزه مطالعات آینده چند موج را سپری کرده‌ایم و دنیای امروز نیازمند موج جدیدی است (ر.ک؛ به تافلر، ۱۳۷۳؛ بل ۱۳۹۶)؛ مطالعات قرآنی می‌تواند این موج را بیافریند (ر.ک؛ خزائی، ۱۳۹۷).

در مطالعات آینده، انسان در صدد یافتن تصویری از آینده است تا در زمان حال بر اساس آن تصاویر بتواند به شکل کارآمدتری تصمیم‌گیری نماید (ر.ک؛ ملکی‌فر و فخرایی، ۱۳۹۳: ۹۳-۹۴). قرآن مملو از تصویر درباره آینده است. آموزه‌های قصصی قرآن کریم تصویری کاربردی مدیریت موقعیت را به دست می‌دهند.

آینده‌نگاری راهبردی، فلسفه قصه قرآنی است. قصه قرآنی یک منظومه گفتمانی است که رویدادهای مؤثر در تحول را پیش رو می‌گذارد و هدف آن قرار دادن مخاطب در موقعیتی است که با انتخاب خود در مسیر رشد قرار گیرد تا آینده را در جهت آرمان الهی رقم زند. با تصویر گفتمانی قصص قرآنی، شایدها و نشایدها و بایدها و نبایدهای قابل آزمون در هر موقعیت زیستی پیش روی انسان قرار می‌گیرد. توجه به قصص قرآنی، روشن‌بینی به برنامه‌ریزی آگاهانه را در بینش و عملکرد پیش رو می‌گذارد.

آینده‌نگاری علم ساختن آینده، به‌طور آگاهانه و فعال است (ر.ک؛ زالی، ۱۳۹۶: ۲۶). اگر تاریخ گذشته قابل استفاده برای آینده نبود و سنت‌های گذشته، آینده را در بر نمی‌گرفت، این همه نقل تاریخ در قرآن معنا نداشت. از همین روست که خداوند نیز دستور می‌دهد در تاریخ گذشتگان تأمل کنید (ر.ک؛ آل عمران/ ۱۳؛ انعام/ ۱۱، اعراف/ ۸۶ و ۱۰۳ و...). تاریخ همواره تکرارشدنی است؛ زیرا حوادث امروز و آینده شبیه حوادثی است که در گذشته به وقوع پیوسته و هدف تاریخ، تجربه و عبرت‌آموزی برای اصلاح امور است (ر.ک؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۱، ج ۱: صص ۱-۲). قرآن عصاره تجارب گذشتگان را در قالب قصص در اختیار انسان‌ها نهاده است (ر.ک؛ حسینی، ۱۳۸۲: ۳۴۲؛ موسوی گرمارودی، ۱۳۷۵: صص ۱۳-۱۴).

آینده‌نگاری از ضرورت‌های هر نظام حاکمیتی است و با توجه اینکه آینده‌نگاری مبتنی بر علم آینده‌پژوهی غربی است، لازم است تا این علم درون‌زاسازی شود. با آخرین دستاوردهای مطالعات آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری، مفهوم‌شناسی و ساختارشناسی و روش‌شناسی یک نظریه آینده‌نگار منقح می‌شود تا آموزه‌های قصه‌های قرآنی، ظرفیت جریان خویش را در این چنین نظام مفهومی و ساختاری به منصفه داوری درآورد. دیدگاه اسلام بر این است که انسان می‌تواند آینده را خلق کند. مقاله پیش رو بر آن است قصص قرآنی، منطق الگوپردازی آینده‌نگاری راهبردی را برای دستیابی به انسان و جامعه آرمانی دارد. به تعبیری دیگر، برای دستیابی به رشد و پیشرفت، رویکرد آینده‌نگار ضرورت دارد که می‌توان منطق آن را به مدد منطق فهم قصص فرآوری نمود.

به قصه در قرآن، آثار علمی و تحلیلی بسیاری پرداخته‌اند؛ لیکن این تعالیم قرآنی در آینده مطالعات راهبردی و به‌طور خاص آینده‌نگاری راهبردی به منظور بسط ساخت گفتمانی یاد شده، موضوع تحلیل نبوده است. در موضوع خاص این رساله، کتاب یا پایان‌نامه یا مقاله یا طرح پژوهشی تاکنون صورت نگرفته است؛ اما در موضوع عام و تفکیکی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف. قصص

- مبانی هنری قصه‌های قرآن، ابوالقاسم ژرفا

القصص القرآنی فی مفهومه و منظومه، عبدالکریم خطیب

تبیین الگوی رهبری قوم بنی اسرائیل به دست حضرت موسی (ع)، مصباح الهدی باقری و محمدرضا کاظمی؛

بازشناسی عوامل رهبری حضرت موسی (ع) با تأکید بر سوره طه، ام البنین چابکی، فاطمه خادمی و حضرت صادقی.

ب. آینده‌نگاری

به دلیل حاکمیت دیدگاه سکولار بر آینده‌پژوهی، فعالیت قابل توجهی در حوزه آینده‌پژوهی دینی و اسلامی انجام نشده است. سکولاریسم و دین‌گریزی، در آثار آینده‌پژوهان برجسته همچون وندل بل مشهود است. منابع خارجی تنها از پژوهش درباره آینده اسلام و مسلمانان حکایت دارند، که این پژوهش‌ها نیز با همان روش‌های گفتمان سکولار به پیش می‌روند. چند پایگاه اینترنتی را نیز می‌توان یافت که مقالاتی درباره آینده‌پژوهی دینی دارند، که دین‌مورد گفت‌وگو، بیشتر معطوف به مسیحیت است، و منابع این نوشته‌ها فاقد اعتبار کافی هستند. از این رو جست‌وجو برای آینده‌پژوهی اسلامی، همچنین آینده‌نگاری راهبردی اسلامی در منابع خارجی دستاورد ارزشمندی ندارد. در حوزه آینده‌اندیشی از دیدگاه اسلام از جمله آثار می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- آینده‌پژوهی با رویکرد دینی، عبدالمجید صادقی
 - آینده‌نگاری از مفهوم تا اجرا، امیر ناظمی و روح الله قدیری
 - افق جهانی، مدل مدیریت راهبردی موعودگرا، غلامرضا گودرزی
 - روش‌های تحلیل آینده با رویکرد راهبردی، امیر محمودزاده و شهرام شاکریان
- این تحقیق، با هدف نهایی کاوش از منطق مدیریت زمان و برنامه‌ریزی آینده‌نگار تغییر و تحول مطلوب در ساحت قصص قرآنی و به تعبیری دیگر پژوهش از نقش الگو و منطق حاکم بر قصص قرآنی در بازفهمی الگوی آینده‌نگار راهبردی شکل گرفته است.

۲. بیان مسأله

کارکرد قصه در رویکرد آینده‌نگار چیست؟ داستان ابزار مناسبی برای انتقال تجربه‌ها، اندیشه‌ها و مفاهیم انسانی در طول اعصار است. ادیان آسمانی به ویژه اسلام نیز برای داستان اهمیت خاصی قائل شده‌اند. به طوری که بخش عظیمی از قرآن کریم (حدود یک ششم) به روایت سرگذشت‌ها و سرنوشت‌های واقعی امت‌ها و اشخاص اختصاص دارد. اگر داستان گزارش از واقعیت باشد، در انسان‌ها تأثیر بسزایی خواهد داشت. زیرا با شنیدن گزاره‌ها، حالتی کنجکاوانه به انسان دست می‌دهد تا به علل و اسباب وقوع حوادث پی ببرد و با تطبیق آن با روش و رفتار خود پند گرفته و آموزش یابد (ر.ک؛ غلامرضایی، ۱۳۹۰: ۱۴).

هدف هنر قصه، عبرت و عبور از گذشته در کمک به خلق و شکل بخشیدن آینده‌ای بهتر برای جامعه است. حاصل چشم‌اندازها و راهبردهایی که از قصص به دست می‌آید، می‌تواند خلق آینده‌های متفاوت باشد. می‌توان هنر قصه را فصل مشترک نظام ملی آینده‌نگاری و نظام ملی هنر به شمار آورد (ر.ک؛ ملکی‌فر و فخرایی، ۱۳۹۳: ۲۰).

در راستای این مسأله محوری، فروع مسائلی پیش روی این تحقیق عبارتند از:

الف. قرآن کریم چه رویکرد کلانی در تعبیر و تدبیر جهان دارد؟

ب. قصه چیست و در منظومه آموزه‌های قرآن کریم چه کارکردی دارد؟

ج. آینده‌نگاری راهبردی چه جایگاهی در نظریه قرآنی قصص دارد، سطوح و وجوه گزاره‌ای آن

چیست؟

کارهای هنری جهت سوق انسان به سعادت از چهار مرحله در مغز می‌گذرند: تماشای، تفکر، تنویر، مکاشفه (ر.ک؛ قطبی، ۱۳۵۲: صص ۱۱۰-۱۱۲). قرآن کریم نیز، برای عمق بخشیدن مقصود مورد نظر در ذهن مخاطب، از شیوه هنری سود برده است (ر.ک؛ نصیری، ۱۳۷۶: صص ۳۴-۳۵). برترین وجه فلسفه دینی قصه در قرآن، حیث آینده‌نگار آن است. قرآن می‌آموزد که ﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (یوسف/۱۱۱). قصه قرآنی آموزگار کیفیت عبور از گذشته به قصد

بیرسازی زمان حال و فرآوری زمان آینده است (اعراف/۱۷۶؛ نازعات/۲۶). آموزگاری قصص، معرفت توانمند در آینده‌نگاری راهبردی را از مجرای عبور از تجربیات رخ‌نموده سامان می‌بخشد. اندیشیدن درباره آینده همواره بخشی از تصمیم آگاهانه برای اقدام است (ر.ک؛ کورنیش، ۱۳۹۴: پیشگفتار). ما به خاطر پیوند گذشته و آینده می‌توانیم دانش مفیدی از آینده به دست بیاوریم (همان، ۲۷۶). قصه‌های قرآنی سبب قرار دادن آدمی در موقعیت می‌شود تا از موضع داوری درباره موقعیت، اصولی‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه عمل در مدیریت موقعیت، شناسایی و به کار بسته شود و بتواند آینده خود را به بهترین وجه رقم بزند.

مطالعه تاریخ گذشتگان، عمر انسان را طولانی می‌کند؛ زیرا مجموعه تجربیات عمر آنها را در اختیار انسان می‌گذارد و تصویرهای متفاوتی را از انواع عملکردها پیش روی انسان قرار می‌دهد تا انسان بتواند با تأمل، آینده خود را رقم بزند. حضرت علی (ع) به فرزندش می‌فرماید: «أَيُّ بَنِي إِيَّتِي وَ إِنْ لَمْ أَكُنْ عُمَرْتُ عُمَرَ مَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَ فَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ وَ سِرَّتُ فِي آثَارِهِمْ حَتَّى عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ بَلْ كَأَنِّي بِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمَرْتُ مَعَ أَوْلِيهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

این مقاله با تمرکز بر داستان قرآنی موسی و بنی اسرائیل در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی است که قصص قرآن، چه بازخوانی از الگوی آینده‌نگار راهبردی به دست می‌دهند؟

۳. مفهوم‌شناسی

۳-۱. قصه

قصه واژه‌ای عربی است که از ریشه «ق. ص. ص» گرفته شده و به معنای چیدن مو، نقل آشکار، حکایت و واقعه، آگاهانیدن و اطلاع دادن، جستجو و یافتن نشانه (ر.ک؛ ابن اثیر، ۱۳۸۳ق، ج ۴: ۷۰؛ ابن منظور، ج ۷: ۷۴؛ ابوهلال عسکری، ۴۳۰: ۱۴۱۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲) آمده است.

از نظر اصطلاحی نیز، بیان ماجراهای گذشته از حیث عبرت گرفتن و پی‌گیری و بیان یک حقیقت تاریخی از زوایای گوناگون برای شکوفایی انسان از بعد هدایتی است (ر.ک؛ بصیری، ۱۳۹۶: ۲۰). داستان را از آن جهت «قصه» می‌گویند که محتوای آن طوری گزینش می‌شود که خواننده و شنونده آن را پیگیری کند (ر.ک؛ غلامرضایی، ۱۳۹۰: ۱۴). در تعریف مختار می‌توان گفت قصه، تصویر گفتمانی موقعیت مطلوب آدمی به شیوه عبرت و عبور از گذشته است.

با توجه به فضای مفهومی قرآن می‌توان این کلمه را در بردارنده مفهوم «اتباع» دانست. نمونه شاخص قرآنی در سوره قصص است: ﴿وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّبِهِ فَبَصَّرَتْ بِهِ عَنْ جُنْبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ: و به خواهر [موسی] گفت از پی او برو پس او را از دور دید در حالی که آنان متوجه نبودند﴾ (قصص/ ۱۱)، «قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبِغُ فَارْتَدَّا عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا: گفت این همان بود که ما می‌جستیم پس جستجوکنان رد پای خود را گرفتند و برگشتند» (کهف، ۶۴).

مفاهیم جایگزین دیگری چون «نبأ» (بقره، ۳۳؛ اعراف، ۱۷۵؛ ابراهیم، ۹)، «حدیث» (ذاریات، ۲۴؛ طه، ۹؛ ذاریات، ۱۵)، «مثل» (آل عمران/ ۵۹؛ عنکبوت/ ۴۱)، «واذکر» (اعراف/ ۶۹؛ مریم/ ۱۶؛ احقاف/ ۲۱)، «الم تر» (بقره، ۲۴۶ و ۲۵۸؛ فجر/ ۶؛ فیل/ ۱)، «هل اتاک» (طه/ ۹؛ ذاریات، ۲۴؛ نازعات/ ۱۵) و «اذ و اذاً» (ر.ک؛ بقره، ۴۹، ۵۰ و...؛ مانده، ۲۰؛ اعراف، ۱۴۱ و ۱۶۱) نیز به قصه اشاره دارند (ر.ک؛ اشرفی، ۱۳۹۳؛ حاج منوچهری، ۱۳۹۵: ۳۳).

۲-۳. آینده‌نگاری راهبردی

آینده‌نگاری راهبردی از ترکیب دو مفهوم آینده‌نگاری و راهبردی ساخته شده است. واژه‌های مصطلح آینده را حداقل می‌توان در سه دسته جای داد (ر.ک؛ زالی، ۱۳۹۶: ۲۲):
الف. (Futures, Futurelogy, Future study): آینده‌پژوهی و آینده‌شناسی؛
ب. (Forecasting): پیش‌بینی آینده؛

پ. (Foresight): به معنای آینده‌نگاری؛ یک نوع فعالیت انسانی برای ساختن آینده را درون خود دارد.

آینده‌نگاری به فرآیندی پیش‌بینانه اشاره دارد که تلاش می‌کند چیزهایی درباره احتمالات آینده و گزینه‌های اقدام به ما بگوید (ر.ک؛ ملکی‌فر، ۱۳۹۳: ۱۸۸). آینده‌نگاری، فرآیند نظام‌مند گردآوری اطلاعات، نگرش‌ساز و معطوف به آینده در افق میان‌مدت یا بلندمدت است که تصمیم‌های امروز و اقدام‌های پیش‌برنده به هم پیوسته را هدف گرفته است (ر.ک؛ ناظمی، ۱۳۸۵: صص ۲۷-۲۹؛ صاحبی‌نژاد، ۱۳۸۵؛ دانشنامه آینده‌پژوهی، ۱۳۸۷؛ اسلاتر، ۱۳۸۶، ص ۱۹). آینده‌نگاری علم ساختن آینده به طور آگاهانه و فعال است و با اتکاء به موضوعات مهم و معطوف به آینده، بسترهای مناسبی را برای ترسیم وضعیت مطلوب فراهم می‌کند (ر.ک؛ خزائی، ۱۳۹۷: صص ۲۵۸-۲۵۷).

راهبرد نیز مؤلفه‌هایی چون طراحی نقشه و راه رسیدن به هدف، تحقق مأموریت، معنابخشی به چشم‌انداز، علم و هنر برنامه‌ریزی و به‌کارگیری ظرفیت‌ها و قدرت، تعیین خط مشی (ر.ک؛ حسن‌بیگی، ۱۳۹۰: ۴۸) و مجموعه‌ای از انتخاب‌های بنیادی و حساس دارد (ر.ک؛ بنی‌اسد، ۱۳۹۰: صص ۶۶-۵۹).

۴. تحلیل ساختاری قصص از منظر مؤلفه‌شناسی آینده‌نگار

۴-۱. هنر قصه و آینده‌نگاری

فلسفه قصه قرآنی عبور از گذشته به قصد برسازی آینده است. مسأله مرکزی دین، هدایت به رشد (یهدی الی الرشد) است که آینده‌نگاری راهبردی، ویرایشی از تدبیر زمان و زمانه آن است. دین الهی، قصه را مجرای عبور اندیشه و اقدام انسان مخاطب می‌سازد. دو کارکرد اصلی برای اختیار و اراده انسانی در شکل‌گیری نظام اجتماعی وجود دارد: «تعیین‌کنندگی» و «تغییردهندگی». بسیاری از رخدادهای نظام‌های اجتماعی، محصول اراده انسانی بوده‌اند (بابایی، ۱۳۹۳: ۵۴).

بسیاری از سوره‌های قرآن به قصص پرداخته‌اند تا انسان در این داده‌های تاریخی تفکر کند. همچنین یکی از موضع‌گیری‌های قرآن در رابطه با سقوط اقوام گذشته، توجه نکردن آن‌ها به مفاهیم الهی بوده است: ﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا...﴾ (ق/۳۶). در این رویکرد تاریخی، انسان، جامعه و تاریخ در راستای حکمت و اراده الهی تعریف می‌شوند (ر.ک؛ ایمان و کلاته ساداتی، ۱۳۹۲: صص ۵۲۴-۵۲۵). در قصص، اراده‌ورزی انسانی به معرض آزمون می‌آید تا مخاطب به ضرورت آن عبرت رسد و در جستجوی روش عبور باشد.

آینده‌نگاری، تلاش روشمند برای ساخت آینده انسانی است. اگر زندگی امروز، حاصل افکار و کردار دیروز است، وضع فردای انسان نیز حاصل اندیشه و کردار امروز خواهد بود. این حکم بر فرض «قاعدگی تحولات زندگی و پیوست معنی‌دار گذشته، حال و آینده» استوار است؛ به گونه‌ای که «عبور» از گذشته «عبرتی» برای حال، و شناخت وضع موجود، «بصیرتی» نسبت به آینده فراهم می‌نماید (ر.ک؛ کورنیش، ۱۳۹۴: صص ۲۷۶-۲۷۷).

آینده‌پژوهان سه نوع آینده را مطالعه می‌کنند: ممکن، محتمل و مطلوب. هنر و به تبع آن قصه، علاوه بر مشارکت فعال در فرآیند شناخت انواع آینده، می‌تواند این آینده‌ها را دیداری‌سازی کند (ر.ک؛ ملکی‌فر، ۱۳۹۳: صص ۲۴۵-۲۴۶).

بن‌مایه قصه‌های قرآنی عبرت‌آموزی و آینده‌نگاری است. غایت قرآن از نقل قصه‌ها، عبور دادن انسان از تاریکی‌ها و رساندن او به رشد است. قصه‌های قرآنی، قصه‌های واقعی هستند که در دوره‌های به هم پیوسته تاریخی واقع شده است. از آن رو که انسان، انسان باقی می‌ماند و شرّ مانند خیر موجود است، پس ناگزیر مشکلات زندگی‌های امت‌ها با تمامی اختلاف‌هایشان، تکرار می‌شود. زمانی که امت‌ها در طی روزگاران شکل می‌گیرند و پیشرفت می‌کنند، هدف اصلی و وجودی خویش را فراموش می‌کنند. این همه به چالش‌های اجتماعی و انحطاط می‌انجامد و در نهایت قدرت خداوند به زوال چنین جامعه‌ای و شروع دوره تاریخی دیگر منتهی می‌شود (ر.ک؛ الدجانی،

۱۳۹۲: ۳۴) پیامبر(ص) می‌فرماید: «كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ فَإِنَّهُ يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مِثْلَهُ حَدُّو التَّعَلُّ بِالتَّعَلِّ، وَ الْقُدَّةُ بِالْقُدَّةِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۴، ج: ۱، ۲۰۳).

پیوند دو عرصه قصه پژوهی و آینده‌نگاری، پیوند تازه‌ای است:

الف. این ویرایش تازه، قصص قرآنی را در افق تازه‌ای از فکر تفسیری قرار می‌دهد؛

ب. پیش رو آمدن خواهانی پیشرفت در خاستگاه فلسفه دینی قصه پژوهی و آینده پژوهی؛

ج. پیش رو قراردادن چشم‌انداز معین و اهداف به تناسب چشم‌انداز و در این راستا پیوند خوردن

حوزه قصه پژوهی قرآنی با اندیشه‌پردازی پیشرفت و ظهور رویکرد آینده پژوهی؛

د. بازتعریف مفهومی آینده‌نگاری از منظر قصه‌های قرآن؛

ه. فرآیند تبدیل تفکر آینده‌نگار پیشنهادی قصص به عمل و شیوه مدیریت موقعیت؛

و. لحاظ قصه قرآنی به مثابه سناریویی معین و دارای هدف و از این مجرا، شکل‌گیری الگوی

پردازش هنر آینده‌نگار.

چشم‌انداز تحلیلی از سطح ظاهر قصه‌ای تا سطح آینده‌نگاری معنا، سطوح نمایگانی زیر را

در خود دارد:

الف. در بیرونی‌ترین لایه، ما با تنوعی از قصه‌های فردی، اجتماعی و تاریخی روبرو هستیم

که با شاخصه عبرت‌آموزی معرفی می‌شوند؛

ب. در یک لایه تحلیلی زیرتر، ما با نمونه موقعیت‌های مسأله‌ای روبرو هستیم. گویا مخاطب

پیام قرآن، شخص مخاطب است و مخاطب فراخوانده می‌شود تا با حس عضوی از موقعیت شدن

پیام خداوند را در نسبت به خود دریابد.

ج. نمونه مسأله‌های رخ‌نموده در قصص، همه اتفاقات ممکن تحول تاریخ‌مند زندگی نیستند؛

بلکه نمونه‌های راهبردی هستند که پیش از آنکه اصل حادثه موضوعیت داشته باشد، منطبق فهم

حادثه، فهم موقعیت مسأله‌ای و گذار آینده‌نگار از آن به سمت مطلوبیت‌های امکان‌برسازی در

آینده موضوعیت دارد تا از این رهگذر، ذائقه آینده‌نگاری راهبردی در مخاطب تربیت و فرآوری

شود. این نمونه قصه‌ها، هیچ کدام به تنهایی اصالت ندارند. بلکه شبکه کلان میان قصه‌ها، نمونه میدانی معیار و مرجع را هدف قرار داده است (ر.ک؛ آکوچکیان، ۱۳۹۸).

۴-۲. کارکرد قصه در آینده‌نگاری

آینده‌نگاری ساخت زمان حال به منظور برسازی آینده است. میان گذشته و آینده چهار نوع پیوند وجود دارد: پیوستگی وجود، پیوستگی تغییر، پیوستگی الگو و پیوستگی علیت (ر.ک؛ کونیش، ۱۳۹۴: صص ۲۷۷-۲۷۸). از جمله کارکردهای اصلی و نقش‌های توانمندساز قصص قرآنی در آینده‌نگاری عبارتند از:

الف. نشانک‌یابی تغییر؛

ب. ژرف‌نگری نقادانه به آینده (آسیب‌شناسی وضع موجود)؛

ج. غلبه بر چالش‌های فکری فرارو؛

د. کشف پیشران‌های تحقق چشم‌انداز، برجسته‌سازی و معرفی آنها به مردم، مدیران و سیاست‌گذاران (ر.ک؛ ملکی فر و فخرایی، ۱۳۹۳: ۲۲).

قصص قرآنی با کارکرد روشی پس‌کاوی خود، الگوی گذار استقرایی به قیاسی را از نمونه حادثه‌های عینی انسانی و تاریخی به راهبردهای آینده‌نگار در اختیار مخاطب می‌گذارد. در این منطبق به صورت مهندسی معکوس، قصه، مخاطب را در فضای مسأله معین قرار می‌دهد و با فراخوانی وی به ساختارها و مکانیزم‌های زیرین علی پیامدهای انسانی و اجتماعی، مخاطب را به سطحی از توصیف، تفهم و سطوح داوستدی تجریدی- تجربی می‌رساند تا مدل‌سازی و تعیین الگو برای تحول مدنظر قرار گیرد و به مدد رویکرد واقع‌گرایی انتقادی (قصه به مثابه مدل تحلیل)، با ایجاد فضای تخیل موقعیت، مدلی برای نوع تدبیر تغییر شکل می‌گیرد.

آموزه‌های برآمده از قصص قرآنی راهبرنده بینش، گرایش، کنش و منش مخاطب است. قصص قرآنی، منبع و نمونه‌های عینی برای بازخوانی منطق آینده‌نگاری راهبردی است تا بدین‌گونه بر اساس

آن در عرصه تفکر تا مدیریت استراتژیک با برآیند آینده‌نگاری به سمت پیشنهاد متدولوژی‌ای رفت و از این رهگذر، مخاطب را در موقعیت وارد نمود. به این معنا که نه فقط سنت‌های تاریخی را تفسیر کند، بلکه مخاطب را در موقعیت قرار دهد و به آن‌گونه عمل کند که در مدل‌های پیشنهادی قصصی قرآن پیشنهاد شده است.

طرف خطاب در قرآن، جامعه انسانی است. وقتی عمل جمعی بر طبق قوانین تاریخی انجام می‌گیرد و به شکل صحیحی رهبری می‌شود، دگرگونی رخ می‌دهد. بنابراین در شکل دادن به تحولات تاریخی و اجتماعی، دو عامل انسان و تاریخ را باید به حساب آورد. در قرآن این موقعیت ممتاز به خوبی نشان داده شده است. در آغاز سوره بقره به معرفی متقین، افراد کافر و گروه وابسته به طبقه حاکم می‌پردازد و پیامبر (ص) را از تلاش بیهوده و هدایت گروه ستمگر برحذر می‌دارد. پس از این آیات، مخاطب فقط مردمند و از حقوق و منافع و سرنوشت آنان در ضمن قصص صحبت می‌کند (ر.ک؛ پایدار، بی‌تا: صص ۲۱-۲۲).

سه گام آموزگاری قرآن در این عرصه عبارتند از:

- الف. پیشنهاد نظریه الهیات آینده‌نگاری و آینده‌نگاری الهیاتی؛
- ب. پیشنهاد الگوی الهیاتی فاعلیت اجتماع در عنصر زیستمانی (چگونه زیستن)؛
- ج. پیشنهاد الگوی الهیاتی فاعلیت اجتماعی: چگونه جامعه‌ها بر اساس آموزه‌های قصص، خالق اتفاقات آینده‌نگار باشند.

۳-۴. روش‌شناسی

کشف سازوکارهای تدبیر آینده‌نگار عینیت انسانی و اجتماعی مستلزم ترکیبی از استدلال، تخیل و استفاده از الگوهای تصویری است که در ضمن آن، مکانیزم‌های غیرقابل دسترس در فرآیندهای معمول شناخت به وسیله یک تصویر موقعیتی از یک فرآیند واقعی نشان داده می‌شوند (ر.ک؛ محمدپور، ۱۳۹۰: صص ۱۶۷-۱۷۶).

قرآن نمونه تصویرهای کاربردی را به صورت یک چشم‌انداز معین در ضمن قصص برای ورود به این سیستم مفهومی پیشنهاد کرده‌است. پس هر قصه‌ای در هر ساخت سوره‌ای یک الگوست (ر.ک؛ الجابری، ۱۳۹۳: ۴۷۶).

منظومه قصه‌های قرآن دو ساحت معرفت‌شناخت دارد:

الف. در یک ساحت، منظومه گزاره‌ها و مفاهیم تصدیقی است که دارای وجوه فاعلی، فعلی، مفعولی و قیدی هستند و بدینسان نگاشت گزاره‌ای رویکرد آینده‌نگار رقم می‌خورد. از مجرای این گزاره‌ها می‌توان به دانش تدبیر آینده‌نگار دست یافت؛

ب. ساحت امر زیستی که آن منظومه‌های گزاره‌ای در ذیل قصه، ترسیم موقعیتی برای مخاطب دارد.

توجه به قصص نوعی برنامه‌ریزی آگاهانه را در بینش و عملکرد پیش رو می‌گذارد. یکی از موضوعاتی که بدان باید پرداخت این است که آیا در بینش قرآن و به طور خاص قصص قرآنی، تاریخ بشری سنت‌هایی دارد؟ آیا سنت‌ها و قوانینی هست که بر مسیر و حرکت و تحولات آن حاکم باشد؟ (ر.ک؛ صدر، ۱۳۹۵: ۵۷-۵۵). به مدد قصص قرآنی، تجربه‌های مورد آزمون آینده‌نگاری در سه لایه شکل می‌گیرد:

الف. در لایه بینش تاریخی و به تعبیری دقیق‌تر لایه بینش حادثه‌ای، داده‌های قابل بررسی اصل حادثه، واقع‌بینی می‌شوند.

ب. در لایه حرکت‌نگری، حادثه‌ها به قطعه‌های علی حرکت، بازتعریف می‌شوند. شهید صدر، از همین چشم‌انداز، سنت‌های اجتماعی را مورد تحلیل قرار داده‌است (ر.ک؛ همان).

ج. و سپس در لایه سناریونویسی مجدد، به مدد بازخوانی سنت‌ها و قوانین حاکم بر حرکت تاریخ، عبرت‌های مدنظر قصص، برگرفته شده و پیشنهاد می‌شود.

۴-۴. تحلیل داستان بنی اسرائیل در چهار وجه گزاره‌ای

قصه یک الگوی زبانی است و هنگامی که در ساخت گزاره‌ای و تصویری قرار می‌گیرد، ساخت تصویری مرکب از وجوه فاعلی، مفعولی و فعلی و قیدی (موقعیتی) دارد. از مجرای این گزاره‌ها می‌توان به دانش مرجع تدبیر آینده‌نگار دست یافت. این وجوه چهارگانه بر اساس اصل عبرت، اصول چهارگانه نظریه خاص آینده‌نگاری است:

الف. وجه فاعلی: افراد و نهادها و ویژگی‌های ایشان: دانش، مهارت و ...؛

ب. وجه فعلی: فرآیندها، روش‌ها، ابزارها، تعامل‌ها و ...؛

ج. وجه مفعولی: موضوع‌های پژوهشی و مطالعاتی، مخاطبان هر فعل و فاعل و ...؛

د. وجه قیدی: قیود مکان، زمان، حالت و ... (ر.ک؛ آکوچکیان، ۱۳۹۵: صص ۴۲۸-۴۳۰؛

صلاحی کجور، ۱۳۹۲: ۱۳۷-۱۶۴).

۴-۴-۱. وجه فاعلی

اولین وجه در تبیین الگوی آینده‌نگاری، بیان ویژگی‌های فرد و نهاد اجتماعی است. در وجه فاعلی به دو نوع فاعل فردی و سازمانی پرداخته می‌شود (ر.ک؛ صلاحی، ۱۳۹۲: ۱۴۷). فاعلیت تغییر از عالی‌ترین سطح به معنای تصدی امور جامعه انسانی تا تصدی جزئیات اقدامی زندگی اجتماعی را شامل است (ر.ک؛ آکوچکیان، ۱۳۹۴: صص ۵۱۴-۵۱۵). در داستان بنی اسرائیل با چند دسته فاعل تغییر روبرو هستیم:

- فرعون و موسی در نقش راهبران؛

- هارون، سامری و ملازمان و سران فرعون در نقش رده میانی و تأثیرگذار؛

- قوم بنی اسرائیل و قوم فرعون در جایگاه صف پشتیبان (مدیریت اقدام مدنی).

تأمل در داستان بنی اسرائیل باعث به وجود آمدن دورنمایی از تغییرات گذشته و احتمالات موجود برای پیدایش آینده‌ای متفاوت با زمان حال می‌شود. بر اساس آموزه‌های قصص قرآنی و

به‌طور خاص داستان بنی اسرائیل وجه فاعلی مقوله آینده‌نگاری را در سه سطح می‌توان تبیین نمود (ر.ک؛ آکوچکیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۱۵):

الف. سطح و ظرفیت دانشی متناسب با سطح مأموریت و مسئولیت؛

ب. سطح زیست فردی با ویژگی‌هایی چون:

- ایمان به استفاده از دانش در تدوین و اجرای سیاست‌ها: مانند بهره‌گرفتن فرعون از ساحران، نزول کتاب و الواح به حضرت موسی (ع)، توصیه حضرت موسی به بزرگان بنی اسرائیل برای فراگیری تورات به عنوان متولیان امور دینی و آموزش آن به مردم و عمل به دستورات تورات؛
- برخورداری از هویتی مستقل برای خود به عنوان يك فرد مؤثر در پیشرفت خود و جامعه: حضرت موسی در اولین برخورد با فرعون به این نکته تذکر می‌دهد که آمده‌ام تا بنی اسرائیل را از دست تورهایی بخشم (طه/ ۴۷؛ بقره/ ۶۲). همچنین نحوه برخورد مؤمن آل فرعون و همسر فرعون حکایت از اهمیت هویت مستقل در تصمیم‌گیری برای آینده دارد.

- ژرف‌بینی: مانند مؤمن آل فرعون، ایمان آوردن همسر فرعون، ایمان آوردن ساحران

ج. سطح زیست مدیریتی، با ویژگی‌هایی چون (ر.ک؛ ازگلی، ۱۳۸۳: ۱۴-۳۰):

- جهت‌گیری به سوی اقدام اجتماعی و تصمیم‌گیری آگاهانه با هدف تطبیق با آینده: حضرت موسی (ع) در آیات ۴۰-۴۶ بقره از یهودیان می‌خواهد پایبندی خود را به پیمانی که با خدا بسته‌اند، نشان دهند و برای دستیابی به منافع ناچیز دنیوی حقانیت قرآن و پیامبر را انکار نکنند.
- ایفای نقش راهبردی: هارون در دعوت حضرت موسی (ع) نقشی راهبردی دارد. در آیات ۲۹-۳۲ و ۴۲ سوره طه به این امر اشاره شده‌است.

- تأثیرگذاری بر دیگران: سامری و تبعیت قوم از او. در آیه ۴۴ بقره به توبیخ کسانی می‌پردازد که به تلاوت کتاب می‌پردازند و خود را متصدی آموزش احکام کتاب به مردم می‌دانند و با ادعای هدایت و ایمان در میان آنان داوری می‌کنند یا آنکه به کفر و گمراهی رهنمونشان می‌کنند.

- اقدام سریع و به موقع: پس از وحی ماجرای گمراهی قوم از سوی سامری به حضرت موسی (ع)، او با ناراحتی و خشم به سوی قوم برگشت و آنها را مورد سرزنش قرار داد (طه/ ۸۳-۹۰).

سامری از نقاط ضعف بنی اسرائیل سوءاستفاده کرد و فتنه عظیمی ایجاد کرد. سرانجام موسی (ع) او را چنان مجازات کرد که از کشتن بدتر بود؛ یعنی او را از جامعه طرد کرد.

- توانایی ایجاد تغییر: به این ویژگی در جای جای داستان حضرت موسی و بنی اسرائیل اشاره شده است.

با توجه به نکات فوق می توان ویژگی هایی را برای این سه دسته فاعل برشمرد:

۴-۴-۱-۱. رهبران و سران

سه ویژگی ظرفیت دانشی، سطح زیست فردی و زیست مدیریتی، راهبر به سه ویژگی مبنا در رهبر یک جامعه به منظور رقم زدن آینده مطلوب جامعه تحت حاکمیت خود است (ر.ک؛ ازگلی، ۱۳۸۳: ۷۵-۴۹):

الف. اندیشه وری و دانش ورزی: آموزه های اسلام، يك منظومه منسجم از آموزه های تربیتی، اجتماعی و فرهنگی است و دامنه مدیریتی هر سطحی از تغییر (از رهبری تا پایین ترین نهاد) دامنه معرفتی متناسب با خویش را می طلبد.

ب. عدالت مطلق: رهبر و متولی یک جامعه علاوه بر اینکه لازم است علم دین را درست بفهمد، باید آن علم را در جامعه اسلامی به درستی اجرا نماید و همه وظایف دینی خود را انجام دهد و آنچه از دین باید به مردم ابلاغ کند، ابلاغ نماید و چیزی را کتمان نکند (بقره/ ۴۲، ۷۴، ۷۸-۷۹). رهبر عادل، باید به میل و هوس کاری نکند و گناهی از او سرنزند (بقره/ ۶۷-۷۶ و ۹۱-۹۲، طه، ۸۳-۹۰).

پ. قدرت مدیریت و استعداد و ظرفیت رهبری: زندگی آینده نگارانه بایستی در پیش، کنش و روش مدیریتی نیز خود را نشان دهد. ارکان تحقق این ویژگی، شامل ظرفیت دانشی (اعراف/ ۱۴۴-۱۴۵؛ بقره، ۵۳؛ مائده/ ۴۴؛ قصص، ۴۳) تا ظرفیت روحی (شکیبایی حضرت موسی (ع)

در مقابل معاندان) تا طرح و برنامه مدیریتی و استواری شخصیت در مدیریت بحران (طه/۸۳-۹۰) است.

تأمل در داستان بنی اسرائیل نشان از این دارد که زحمات حضرت موسی(ع) در مصر، درگیری با فرعون و مشکلاتی که بعد از برگشتن از مدین تا بیرون آمدن از مصر برای او پیش آمد و نجات بنی اسرائیل و هلاکت فرعون، باید یک ایمان مستقری را در بنی اسرائیل به وجود می‌آورد؛ اما این اتفاق نیفتاد. اول گفتند ﴿اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ﴾ (اعراف/۱۳۸) و بعد نیز قضیه سامری اتفاق افتاد. بزرگترین رنج برای حضرت موسی(ع) شاید همین بود که با زحمات فراوان عده‌ای را به راه خداوند بیاورد و ایمان را به اینان تلقین کنند؛ اما آنها به خاطر یک چیز جزئی از ایمان برگردند. در قرآن آمده است: ﴿وَأَلْقَى الْأَلْوَاخَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ﴾ (اعراف/۱۵۰) حضرت این وضع را که دیدند، به شدت خشمگین و ناراحت شدند (احزاب/۶۹؛ صف/۵). این نشان‌دهنده آن است که اذیت و آزار بنی اسرائیل به حضرت موسی(ع) خیلی بزرگ بوده است؛ میقات نشان‌گر این واقعیات مهم تاریخی است و نشان می‌دهد که حرکت در راه حق مشکلات دارد و چطور باید با این مشکلات مواجه شد (ر.ک؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۹: سایت رهبری).

۴-۱-۲. آحاد انسانی یک جامعه

آیات ۴۰-۴۸ و ۶۲-۸۸ بقره به بیان ویژگی‌های کلی بنی اسرائیل و خصلت‌هایی که مانع ایمان آوردن آنان شد، به عنوان یک نمونه فاعل صف پشتیبان می‌پردازد. تحلیل این آموزه‌ها اوصافی را برای آینده‌نگاری و دست‌یابی به حیات معقول پیش رو می‌گذارد:

- برخوردار از هویتی مستقل: یکی از نعمت‌های اعطا شده از سوی خداوند به بنی اسرائیل و نیز فلسفه ارسال پیامبر به سوی این قوم آزادی آنان از بردگی فرعون و تأکید بر داشتن هویت مستقل آنان بوده است (اعراف/۱۰۴؛ طه/۴۷، بقره/۴۹).

- روش‌ها و سرمشق‌های مشترک: در آیه ۶۳ بقره خداوند با یادآوری پیمان با قوم بنی اسرائیل شرط عمل به آن را عمل به تورات و جدی گرفتن احکام و به اصلاح و تهذیب پرداختن تا رسیدن به تقوا معرفی می‌کند. همچنین از آیات ۴۰ تا ۴۳ برخی از راهکارها را اینگونه برمی‌شمرد: ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا ... وَأَوْفُوا ... وَآمِنُوا ... وَلَا تَكُونُوا ... فَاتَّقُونِ ... وَلَا تَلْبِسُوا ... وَتَكْتُمُوا ... وَأَقِيمُوا ... وَآتُوا ... وَارْجِعُوا﴾

- مفاهیم کلیدی مشترک: در آیات ۴۰ تا ۴۸ بقره به برخی از این مفاهیم اشاره شده است: استعانت از نماز و صبر، تقوا، عدم کتمان حق، تعقل در امور، امیدواری به شفاعت، عدم فراموشی. - تصمیم‌گیری آگاهانه: ایمان آوردن ساحران بعد از مشاهده معجزه یکی از موارد تصمیم‌گیری آگاهانه است که در نتیجه به حیاتی ارزنده در آخرت دست یافتند (طه/ ۷۰-۷۳).

- ارزش‌های مشترک: مانند رفاه (دادن نعمت‌های فراوان به بنی اسرائیل) و آزادی (فلسفه ارسال موسی به سوی فرعون).

در آیات ۶۲ تا ۸۸ سوره بقره، ویژگی‌های عمومی و شاخصه‌های فکری و رفتاری بنی اسرائیل ذکر می‌شود تا نشان دهد علت اصلی مخالفت آنان با تعالیم پیامبر اسلام، گمراهی و حق‌ستیزی آنهاست، نه وجود کاستی در آیین الهی.

۴-۲-۴. وجه فعلی

وجه فعلی آینده‌نگاری، فرآیند تبدیل نظر به اقدام است. وجه فعلی دربرگیرنده روش‌ها و فرآیندهای مدیریت حیات است (ر.ک؛ آکوچکیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۱۹) که چگونگی تحقق حیات معقول را بیان می‌دارد. در وجه فعلی، نحوه حل مسأله مورد تأکید است. تحلیل رفتار گروه‌های آدمیان در قصص نشان از این دارد که حرکت آنها روش و معیاری برای همه نسل‌هاست. شکل‌گیری الگوی آینده‌نگاری با استفاده از قیاس موجود در این داستان‌ها و وقایع ممکن است؛ یعنی پس از آزمودن شخص و عبور وی از سختی‌ها و پیروزی در عرصه عمل، با استفاده از مقایسه

اعمال نیک و بد و نیروی خیر و شر، قرآن الگو و نمونه‌ای برای آینده‌انسانی در اختیار می‌نهد؛ مانند زن نوح و همسر لوط که الگوی انسان‌های سخن‌چین و عهدشکن هستند و مریم و آسیه (زن فرعون) که نمونه‌ای از زنان فاضل معرفی می‌شوند.

عقاید بشر بر اهداف و راه‌های ممکن برای تحقق آن اهداف اثر می‌گذارد. نیازهای بنیادی بشر بر حسب عقاید، اهداف و روش‌ها به انحای مختلف بسط پیدا می‌کند. استفاده از یک روش منجر به بسط شبکه نیازهای انسان می‌شود و استفاده از یک فناوری با تغییر زمینه نیازهای انسان، دامنه تصمیمات آتی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به این ترتیب تصمیم‌گیری انسان همواره به تصمیمات پیشین او و روش‌هایی که در گذشته به کار گرفته است، وابسته است (ر.ک؛ تقوی، ۱۳۸۷). خداوند در قرآن و در ضمن قصص و گزارش از آینده دو صنف حق و باطل، سپهر و زمینه مورد بحث را پیش‌رو می‌گذارد و روش‌ها و ابزارهای پاسخ‌دهی به نیازها را در این دو صنف معرفی می‌کند. فصلی از آینده‌نگاری راهبردی شیوه راهبری و بهره‌وری از ظرفیت‌هاست. گزارش تقابل و رویارویی حضرت موسی (ع) و فرعون، این روش‌ها و ابزارها را پیش‌رو می‌گذارد. با استناد به داستان بنی اسرائیل با دو گروه رویه و روش مواجه هستیم، برای مثال در نمونه سوره بقره:

الف. رویه و روش پیشنهادی خداوند که سبب بهروزی و دستیابی به حیات معقول شده است؛ نهراسیدن از پیامدهای التزام به حقایق کتاب (آیه ۴۱)، ایمان داشتن به کتاب (آیه ۴۱)، پرهیز از مخالفت با خدا (آیه ۴۱)، عدم کتمان حق (بقره/ ۴۲)، پایبندی به احکام الهی (۴۳)، یاری جستن از نماز و زکات (آیه ۴۳)، ترس از روز قیامت و حساب (آیه ۴۸)، تعقل کردن در امور (بقره/ ۴۴)، توبه (آیه ۵۸)، تقوای پیشگی و ...

ب. رویه و روش اقوام و به خصوص مخالفان که نتیجه آن تباهی زندگی دنیوی و عذاب اخروی است: تحریف کتاب با وجود آگاهی به آن (آیه ۷۵)، عهدشکنی بنی اسرائیل (آیه ۴۴)، اصرار بر گناه (آیه ۶۱)، عمل نکردن به احکام الهی (آیه ۸۵)، توجه نکردن به معارف قرآنی، نپذیرفتن پیام‌های الهی، پیروی از طاغوت و شیطان (بقره/ ۱۰۲)، تقاضای نامعقول رؤیت (۱۰۸)، مخالفت با پیامبر و انکار او (آیات ۸۹-۹۰ و ۱۴۶).

انسان خودآگاه به رشد و خواهان رقم زدن آینده خویش، جهت برتری (خداوند) را برای زندگی خود برمی‌گزیند و این جهت برتر را در زندگی فردی و اجتماعی عینیت می‌بخشد (ر.ک؛ آکوچکیان، ۱۳۹۵: ۳۱۳). همچنین توجه به خطباتی که در قرآن با عبارت «و اذ...» شروع شده‌است، این روش‌ها و رویه‌ها را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد (بقره/ ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۴، ۸۳).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها در فرآیند آینده‌نگاری توجه به سنن الهی است. وعده‌هایی الهی و نیز تحقق آنها در طول تاریخ نسبت به آدمیان در ذیل قصص سبب نوعی برنامه‌ریزی آگاهانه می‌شود. از جمله این سنت‌ها: قوانین ناظر به اصل تاریخ بشریت: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ﴾ (انبیاء/ ۱۰۵) یا قانون خاص مربوط به جوامع مختلف ﴿وَمَا كَانَ رُبُّكَ لِيَهْلِكَ الْقُرَى﴾ (هود/ ۱۱۷) با نظر به حیث قلمرو فردی: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا﴾ (معارج/ ۱۹)، یا حیث اجتماعی: ﴿...إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ...﴾ (اعراف/ ۳۴)، و با نظر به نقش انسان در آن‌ها در نمونه قوانین مطلق مانند: ﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ﴾ (یونس/ ۴۹) مستقل از اراده بشر: ﴿...لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ...﴾ (آل عمران/ ۱۶۴) یا مشروط به نقش انسان مانند جملات شرطیه: ﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّاهُ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾ (نحل/ ۹۷).

۴-۴-۳. وجه مفعولی

وجه مفعولی به این معناست که چه حوزه‌های موضوعی و دامنه مخاطبی برای آینده‌نگاری لازم است و نحوه رویارویی با این موضوع و مخاطب چگونه باید باشد (ر.ک؛ صلاحی، ۱۳۹۲: ۱۳۷). در این وجه، مدیریت حل مسأله موضوعیت می‌یابد. برای مثال در داستان بنی اسرائیل با موضوع توحیدمحوری و مبارزه با شرک، دعوت فردی که مدعی خدایی است (فرعون) و ... و مخاطبانی چون فرعون، آل فرعون، بنی اسرائیل و سامری، دختران شعیب و ... مواجه هستیم. نحوه برخورد با هر کدام از این موضوعات و مخاطبان به‌طور تفصیلی در قصه بنی اسرائیل آمده‌است و

جایگاه هر کدام از این مخاطبان و تأثیر آنان در رقم زدن آینده قوم بنی اسرائیل تصویر شده است. در ۸۴ آیه بقره از بنی اسرائیل و موضوعاتی سخن رفته است که آغاز و انجام آن با مخاطب ساختن آنهاست:

- آیات ۴۰-۴۶: ضمن دعوت یهودیان به اسلام از آنان می‌خواهد با ایمان به پیامبر (ص) پایبندی خود را به عهد و پیمانی که با خدا بسته‌اند، نشان دهند و برای دست‌یابی به منافع دنیوی حقانیت قرآن و پیامبر را انکار نکنند.

- آیات ۴۷-۶۱: خداوند نعمت‌هایی را که به گذشتگان آنان داده، یادآور می‌شود و از روز عدالت و قصاص بیمناکشان می‌کند: آیه ۴۷ و ۴۸. نعمت‌های خدا به بنی اسرائیل و بهانه‌جویی‌ها و سرکشی‌های آن‌ها را برمی‌شمرد تا یادآور شود که چگونه نیاکان آن‌ها بر اثر مخالفت با حق از قله برتری (أَتَىٰ فَضَلْتُمْ عَلَى الْعَلَمِينَ) به حضيض ذلت و حقارت کشانده شدند (ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ وَالْمَسْكَنَةُ).

- آیات ۶۲ تا ۸۸: ویژگی‌های عمومی و شاخصه‌های فکری و رفتاری بنی اسرائیل را برمی‌شمرد تا نشان دهد علت اصلی مخالفت آنان، گمراهی و حق‌ستیزی آنهاست.

با ملاحظه تصویر پیشنهادی از وجه مفعولی بر اساس این آموزه‌ها، تحلیل يك واحد اجتماعی در تکاپوی پیشرفت و آینده‌نگاری، عرصه‌ها و لایه‌های حضور جریان اندیشه و دانش را نشان می‌دهد:

الف. وجه انسان‌شناختی - روان‌شناختی تغییر؛

ب. وجه اجتماعی تغییر و تحول (نظام‌های اجتماعی، سیاسی و...);

پ. الگوی سبک زندگی؛

ت. و در بنیان این فرآیند تغییر: دانش و اندیشه مبنای پیشرفت و راهبر تغییر و تحول

ث. گفتمان تحول يك نظام اجتماعی با بروز و ظهور در عرصه هنر.

در هر دوره تاریخی که لایه‌های یادشده به صورت نظام‌واره‌ای و به گونه‌ای هماهنگ رخ نموده‌اند، شاهد ظهور يك دوره برجسته تاریخی بوده‌ایم (ر.ک؛ آکوچکیان و همکاران، ۱۳۹۵: صص ۵۲۱-۵۲۲).

۴-۴-۴. وجه قیدی

در تحقق برآیند سه ضلع پیشین، وجه چهارم منظومه گزاره‌ای، وجه قیدی آن است. برای تحقق آینده‌نگاری باید بدانیم الگوی مطلوب برگزیده رشد در کدام مقتضیات زمانی - مکانی و در چه برنامه‌ای و در قالب چه کاری باید به انجام رسد (ر.ک؛ صلاحی، ۱۳۹۲: ۱۵۹؛ آکوچکیان و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۵۲۲). «موقعیت» یعنی شرایط و محیطی که در آن به سر می‌بریم و از آن تأثیر می‌پذیریم یا بر آن تأثیر می‌گذاریم. ما آدمیان در نسبتی که با وضعیت و شرایط خویش برقرار می‌کنیم، جنس تداوم حیات خویش را رقم می‌زنیم. از این‌رو «مدیریت موقعیت»، گذار از موضع انفعالی در برابر حوادث و شرایط موجود واقعیت‌های پیرامونی، تدبیر تقدیر خویش در مناسبات یادشده و نیز مدیریت راهبردی آینده‌نگار این مناسبات در گذار از وضعیت موجود بر اساس الگوی معین مطلوب است (ر.ک؛ آکوچکیان، ۱۳۹۳: ۲۳۹).

آموزه‌های قصص قرآنی بینشی آسیب‌شناسانه در نقد موقعیت به دست می‌دهد. نقد آسیب‌شناختی انسان و جامعه در نمونه قصص، نقد ایستای وضعیت موجود نیست؛ بلکه از چشم‌انداز رویکرد به وضعیت مطلوب، به نقد نمونه‌های آسیبی زندگی مردمان می‌پردازد که مخاطب بتواند از این وضعیت آسیبی، خویش را به سوی موقعیت بهینه راهبری نماید. با این ملاحظه، منطبق جاری در آموزه‌های قصصی، منطق مدیریت موقعیت است. اینکه چگونه بتوان به ترمیم موقعیت و مدیریت ظرفیت‌ها و منابع و روابط اهتمام داشت.

سطح تحلیل قیدی دو سطح دارد:

الف. یکی در سطح تحلیل گام حادثه و شکل‌دهی نظام گزاره‌ها در تفسیر علی قصه؛

ب. در سطح گذار از قصه به چه بایدکردهای آینده‌نگار.

مرور داستان بنی اسرائیل در سوره بقره سه موقعیت معرفی نموده است: بنی اسرائیل زمان حضرت موسی (ع)؛ ربط تاریخی بنی اسرائیل زمان حضرت موسی به یهودیان زمان پیامبر (ص)، یهودیان زمان پیامبر (ص).

این سه موقعیت با دعوت یهودیان به ایمان به پیامبر اسلام آغاز می‌شود. در ادامه با یادآوری نعمت‌های الهی به بنی اسرائیل به یهودیان مدینه گوشزد می‌کند که بهانه‌جویی‌ها و پیمان‌شکنی‌های نیاکان آن‌ها در طول تاریخ جز ذلت و خواری هیچ ثمری برای آن‌ها نداشته و بهتر است از پیمودن این راه بپرهیزند. سپس به بررسی بهانه‌ها و اشکالات یهودیان درباره اسلام و نبوت پیامبر پرداخته به آن‌ها پاسخ می‌دهد. مهم‌ترین رخداد‌های تاریخی و رفتارهایی که در این آیات به آن‌ها اشاره شده عبارتند از: قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر قوم (۶۳)، اصحاب سبت (۶۵) قضیه سامری (۶۷-۷۱) تحریف فرمان الهی (۷۵-۷۹)، بیان برخی از خصلت‌های این قوم (آیات ۸۰-۸۶)، مخالفت‌های پی در پی بنی اسرائیل با انبیا و تکذیب و کشتار آن‌ها (آیات ۸۷-۸۸)، انکار پیامبر (ص) و قرآن (۹۱-۹۶)، دشمنی با جبرئیل (۹۷-۹۹)، روی آوردن به سحر و سوءاستفاده از آن (۱۰۲-۱۰۳) و تغییر قبله (۱۴۲-۱۴۶).

۴-۴-۱. اصول موقعیت

در داستان موسی بافت‌های موقعیتی متفاوتی دیده می‌شود که افراد متفاوت با جایگاه اجتماعی خود مشارکت دارند. در واقع نوع گفتگوهای فاعلان و مشارکان این بافت‌ها بر اساس طبقه اجتماعی و روابط میان آنها شکل می‌گیرد و در متن، بازتاب یابد. آنچه در این عرصه رقابتی نمود دارد، غلبه گفتمان قدرت و اقتدارطلبی بر گفتمان مردمی و آزادی‌طلبانه است که بخش اعظم آن با نمایش قدرت و استبداد توسط فرعون صورت می‌گیرد (ر.ک؛ صالحی و افشار، ۱۳۹۸: ۸۰).

مدیریت موقعیت دو وجه سلبی و ایجابی دارد؛ تبدیل وضعیت‌های مثبت به وضعیت‌های مثبت‌تر، و مقابله با موقعیت‌های بحرانی. قصص قرآنی یک نمونه رخ‌نمودهٔ دیروز تاریخی است که می‌تواند مصداق‌های دیگری نیز در هر دوره‌ای از تاریخ بیابد. اسامی و رخداد‌های مدنظر قرآن، نمونه‌های عملیاتی هستند که از چشم‌انداز منطق آینده‌نگری و آینده‌نگاری قابلیت تسری تاریخی دارند. تأمل در داستان بنی اسرائیل در سه دوره، با نظر به مناسبات و جوه گزاره‌ای، برخی از اصول مدیریت موقعیت را با نمونه آسیب‌شناسی عملکرد فرعونیان و بنی اسرائیل پیش رو می‌گذارد:

الف. از خود وانهادگی آدمی، خودفراموشی و خدافراموشی؛

ب. محرومیت انسان از ظرفیت‌های زندگی؛

ج. کاستی نوع مناسبات انسانی.

بدینسان سه اصل راهبردی مدیریت موقعیت با این داستان شناسایی می‌شود:

الف. مدیریت موفق موقعیت و مدیریت بر خود؛ مدیریت بر خود در پنج فراز قابل تأمل است؛ خودشناسی، ظرفیت فکری بالغ‌تر، ظرفیت روحی افزون‌تر، ظرفیت اقدامی مبتنی بر طرح و برنامه روشن‌بین‌تر و گذرها و گذارهای ایثاری و انفاقی انسان.

ب. دومین اصل مدیریت موفق موقعیت، مدیریت ظرفیت‌ها و منابع زندگی به منظور است. افراد بسیاری را می‌بینیم که از ظرفیت‌های موجود استفادهٔ بهینه ندارند و منابع موجود را نادیده انگاشته و حرص نبودن‌ها و نداشتن‌هایی را می‌خورند. مدیر موفق کسی است که نه تنها ظرفیت‌های موجود را نادیده نمی‌انگارد، بلکه ظرفیت‌های موجود را به گونه‌ای مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد که حداکثر بازدهی را داشته باشد. هر فردی در زندگی خویش بحران‌هایی دارد و زمانی می‌تواند این بحران‌ها را به سلامت پشت سر گذارد که در برابر این بحران‌ها در عوض عجز و لابه به مدیریت بحران و موقعیت پیش رو پردازد؛

ج. سومین اصل مدیریت موفق، افزایش توان در مدیریت مناسبات با دیگران است (ر.ک؛

آکوچکیان، ۱۳۹۳: صص ۲۴۲-۲۴۳). انسان‌های موفق مناسبات موفق نیز دارند.

توجه به این اصول و کارکرد آنها، منطق مدیریت موقعیت و آینده‌نگاری را پیش روی انسان قرار می‌دهد. اینکه چگونه بتوان به ترمیم موقعیت و مدیریت ظرفیت‌ها به منظور رقم زدن آینده بهتر اهتمام داشت.

۴-۴-۲. عوامل مدیریت موقعیت

موقعیت‌ها را عواملی معنی و جهت می‌بخشند:

الف. زاویه دید: در يك موقعیت با چند زاویه دید، چند برخورد و نتیجه‌گیری برمی‌آید. برای مثال در يك موقعیت، هارون نامی، ایمان می‌آورد و موسی را همراهی می‌کند و سامری نامی نیز، روبرو می‌ایستد.

موقعیت تعاملی حضرت موسی (ع) با بنی اسرائیل در برابر فرعونیان، يك «موقعیت» است، حادثترین و پرتنش‌ترین وضعیت ممکن که دیگران بر آدمی تحمیل کرده‌اند و او دست‌اندرکار تدبیر آنهاست.

ب. موقعیت‌ها تابع سطح هدف‌داری ما هستند. تأمل در بهانه‌جویی و کفر و ناسپاسی بنی اسرائیل پس از برآورده شدن تمامی خواسته‌های آنان نشان از این دارد انسان در هنگام نعمت و در موقعیت مطلوب، به کفر، اعراض، غرور و استکبار می‌رسد و در برابر رنج‌ها و ناخوشایندها به ذلت می‌نشیند و دچار عذاب گسترده می‌شود (ر.ک؛ بقره، ۴۰-۶۱؛ اعراف، ۱۳۷-۱۳۸؛ یونس، ۹۰-۹۳؛ شعرا، ۵۷-۵۹ و...)

سرجمع این مؤلفه‌های موقعیت‌ساز به واسطه تمرین و در بلندمدت، تبدیل به خُلقیات مهارتی می‌شوند و نوعی شخصیت و منش خاصی را برای فرد رقم می‌زنند.

بحث و نتیجه‌گیری

الف. قصه بالغ‌ترین زبان هنری در تصویر موقعیتی از رویکرد آینده‌نگار قرآن است. اینگونه چشم‌انداز آینده‌نگاری اقتضای یک روش‌شناسی خاص و الگوی آفریدگاری تغییر و تحول دارد. برآیند این آموزگاری، ناظر به منطبق عبور از گذشته و آفریدگاری آینده به روش آفریدگاری زمان حال است.

ب. فلسفه قصه، مدیریت تحول است که یک ضلع مدیریت تحول، آینده‌نگاری است. در کاوش استقرایی از سامان گزاره‌ای قصص، مقوله آینده‌نگاری در یک نظریه چهاروجهی باز شد: وجه فاعلی، فعلی، مفعولی و قیدی.

ج. قرآن فراخوانی به دین را در زبان ادبیات با مخاطبان خویش تصویر کرده است و در نمونه قصص با تصویر موقعیتی، مخاطب را در مخاطب با این فراخوانی قرار داده تا روش تدبیر آن موقعیت را در نمونه‌های مصداق‌های پی‌آیندی در این تعالیم بیاموزد.

د. قرآن قصه می‌گوید تا ما با عبور از گذشته به قصد برسازی آینده، زمان حال را معماری کنیم و از اینک و در زمان حال، آینده نیز از آن ما باشد. در قصص قرآنی، آدمیت خالق تغییر و تحول، تصویر می‌شود تا با آن عبرت از دیروز، در نقد مقایسه‌ای اراده‌ورزی اصیل با اراده‌داری کفر و نفاق، تدبیر تحول آموخته شود.

منابع

۱. ابن اثیر، مبارک‌بن محمد. (۱۳۸۳ق.). *النهایه*. به کوشش طاهر احمد زاوی و محمود محمد طنّاحی. قم: مؤسسه الامین للطباعه و النشر و التوزیع.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۴ق.). *من لایحضره الفقیه*. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن فارس، احمد. (۱۴۱۰). *معجم مقاییس اللغه*. بیروت: دارالاسلامیه.

۴. ابن مسکویه، ابوعلی. (۱۳۷۱). *تجارب‌الامم*. تحقیق ابوالقاسم امامی. تهران: سروش.
۵. ابن منظور، محمدبن مکرم. (۱۴۱۴ق.). *لسان‌العرب*. چاپ سوم. بیروت: دارصادر.
۶. ازگلی، محمد. (۱۳۸۳). *رهبری استراتژیک چشم‌انداز*. تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
۷. ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۱۰). *الفروق‌اللغویه*. قم: مکتبه بصیرتی.
۸. اسلاتر، ریچارد. و همکاران. (۱۹۹۶). *آینده‌اندیشی برای هزاره نوین*. مفاهیم، روش‌ها و ایده‌های آینده‌پژوهی. ترجمه عقیل ملکی فر و دیگران. تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۹. اشرفی، عباس. (۱۳۹۰). *مقایسه قصص در قرآن و عهدین*. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۱۰. الوانی، سیدمهدی. صلاحی، اسحاق. (۱۳۹۲). «طراحی مدل اسلامی - ایرانی آینده‌نگاری راهبردی». *مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی*. شماره ۱۰.
۱۱. آکوچکیان، احمد. (۱۳۸۹). *درس‌نامه حکمت هنر*. اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان.
۱۲. _____ . (۱۳۹۳). *فروگاه‌های سبک زندگی با سوره مسد*. تهران: بنیاد اندیشه دینی و مطالعات توسعه.
۱۳. آکوچکیان، احمد و همکاران. (۱۳۹۵). *الگوی راهبری تحول*. تهران: بنیاد اندیشه دینی و مطالعات توسعه.
۱۴. آکوچکیان، احمد. (۱۳۹۸). *الگوی تنزیلی قرآن*. تهران: بنیاد اندیشه دینی و مطالعات توسعه (چاپ محدود).

۱۵. صلاحی، اسحاق. (۱۳۹۲). *طراحی مدل اسلامی - ایرانی آینده‌نگاری راهبردی*. رساله دکتری. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۶. ایمان، محمدتقی و کلاته ساداتی، احمد. (۱۳۹۲). *روش‌شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۷. ابن منظور، محمدبن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان‌العرب*. چاپ سوم. بیروت: دار صادر.
۱۸. بابایی، حبیب‌الله. (۱۳۹۳). *کاوش‌های نظری در الهیات تمدنی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۹. بصیری، مریم. (۱۳۹۶). *فرآیند شکل‌گیری داستان در ادبیات داستانی و دراماتیک*. تهران: خوارزمی.
۲۰. بل، وندل. (۱۳۹۶). *مبانی آینده‌پژوهی: تاریخچه، اهداف و دانش*. ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق. چاپ سوم. تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۲۱. بنی اسد، رضا. (۱۳۹۰). *مدیریت راهبردی با تأکید بر جهاد اقتصادی*. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۲۲. پایدار، حبیب‌الله. (بی‌تا). *برداشت‌هایی درباره فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن*. تهران: سلمان.
۲۳. پروینی، خلیل. (۱۳۷۹). *تحلیل ادبی و هنری داستان‌های قرآنی*. تهران: فرهنگ‌گستر.
۲۴. پولارد، سیدنی. (۱۳۵۴). *اندیشه ترقی*. ترجمه حسین اسدپور پیرانفر. تهران: امیرکبیر.
۲۵. تافلر. الوین. (۱۳۷۳). *ورق‌های آینده*. تهران: البرز.

۲۶. تقوی، مصطفی. (۱۳۸۷). «درآمدی مبنایی و راهبردی بر الگوی اسلامی - ایرانی توسعه علم و فناوری». فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی. شماره، صص ۷۳-۹۸.
۲۷. حاج منوچهری، فرامرز. (۱۳۹۵). *گونه‌شناسی و تحلیل قصص قرآنی*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۸. حسن‌بیگی، ابراهیم. (۱۳۹۰). *مدیریت راهبردی*. تهران: سمت.
۲۹. حسینی، محمد. (۱۳۸۲). *ریخت‌شناسی قصه‌های قرآنی*. تهران: ققنوس.
۳۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۹). *بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید قربان تاریخ (۹۹/۵/۱۰)*.
- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۶۱۴۶>
۳۱. خزائی، حسین. (۱۳۹۷). *درآمدی بر آینده‌نگاری قرآن‌شناخت*. اندیشه‌ها و نظرها در نظریه و مکتب تفسیر پیشرفت‌شناخت. (مجموعه مقالات). تهران: بنیاد اندیشه دینی و مطالعات توسعه.
۳۲. دانشنامه آینده پژوهی. (۱۳۸۷). *مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی*. مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی. تهران: مرکز آینده‌پژوهی.
۳۳. الدجانی، زاهیه راغب. (۱۳۹۳). *مفهوم قرآنی و توراتی موسی (ع) و فرعون*. ترجمه حبیب‌الله عباسی. تهران: سخن.
۳۴. راغب اصفهانی. (۱۴۱۲). *مفردات فی غریب القرآن*. تحقیق صفوان عدنان داودی. بیروت: دارالعلم الدارالشامیه.
۳۵. زالی، نادر. (۱۳۹۶). *آینده‌نگاری راهبردی در برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای*. چاپ سوم. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۶. صاحبی نژاد، مجید. (۱۳۸۵). *آینده‌نگاری فناوری*. ابزارهای جهت‌اولویت‌گذاری علم و فناوری نانو در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

۳۷. صالحی، پیمان. افشار، مرضیه. (۱۳۹۸). «تحلیل گفتمان انتقادی داستان حضرت موسی (ع) در قرآن (بر اساس الگوی نورمن فرکلاف)». پژوهش های قرآنی. سال ۲۳. شماره ۳. صص ۸۲-۵۹.
۳۸. صدر، سیدمحمدباقر. (۱۳۹۵). *پژوهش های قرآنی*. ترجمه سیدجلال میرآقایی. قم: دارالصدر.
۳۹. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تحقیق سیداحمد حسینی. چاپ سوم. تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
۴۰. غلامرضایی، علی اصغر. (۱۳۹۰). *درآمدی بر ساختار روایت قصه های قرآن*. قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی.
۴۱. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰). *العین*. چاپ دوم. قم: انتشارات هجرت.
۴۲. قطبی، محمد. (۱۳۵۲). *تعریف هنر*. تهران: بی نا.
۴۳. کورنیش، ادوارد. (۱۳۹۴). *آینده پژوهی پیشرفته (نگاهی ژرف به اصول، مبانی و روش های آینده پژوهی)*. ترجمه سیاوش ملکی فر و فرخنده ملکی فر. تهران: آینده پژوه.
۴۴. محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). *روش در روش*. تهران: جامعه شناسان.
۴۵. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: ترجمه و نشر کتاب.
۴۶. ملکی فر و همکاران (۱۳۹۳). *الضبابی آینده پژوهی*. چاپ چهارم. تهران: آینده پژوه.
۴۷. ملکی فر، عقیل. ملکی فر، سیاوش. فخراپی، مرضیه. (۱۳۹۳). *آینده پژوهی و هنر آینده گرا*. تهران: سوره مهر.
۴۸. موسوی گرمارودی، علی. (۱۳۷۵). *داستان پیامبران*. چاپ پنجم. تهران: قدیانی.

۴۹. ناظمی، امیر و قدیری، روح‌الله. (۱۳۸۵). *آینده‌نگاری از مفهوم تا اجرا*. تهران: مرکز صنایع نوین.

۵۰. نصر، طاهره. (۱۳۸۶). *از هنر و هنر اسلامی*. شیراز: نوید شیراز.

۵۱. نصیری، علی. (۱۳۷۶). «درآمدی بر زیباشناسی از دیدگاه قرآن». اندیشه حوزه. دوره سوم. شماره ۲ و ۳.